

فراخوان بیستمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر منتشر شد



فراخوان بیستمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر با هدف معرفی شاعران جوان ایران و گسترش همدلی با پارسی‌گویان جهان اعلام شد. در این جشنواره که زمستان امسال بیستمین دوره خود را تجربه می‌کند، در بخش اصلی، آثاری که برای نخستین بار در سال ۱۴۰۳ منتشر شده و در قالب شعر کلاسیک، نو، محاوره یا پژوهش‌های شعری باشند، داوری می‌شوند. بخش جنبی برای شاعرانی است که آثارشان به صورت کتاب منتشر نشده و می‌توانند پنج شعر ارسال کنند. بخش ویژه امسال با عنوان «ماه مجلس» به بازتاب جلوه‌های ادبی شخصیت پیامبر اکرم (ص) اختصاص دارد. مهلت ارسال آثار تا ۳۰ آذر ۱۴۰۴ است و برگزیدگان در مراسم اختتامیه معرفی می‌شوند.



ایرنا

راهیابی «امروز درختی خواهیم شد» به جشنواره عمان



نمایش «امروز درختی خواهیم شد» به نویسندگی و کارگردانی فرامرز غلامیان و با تهیه‌کنندگی محمد دین‌دشتی، در بخش کودک و نوجوان جشنواره بین‌المللی عمان حضور خواهد داشت. این جشنواره از ۳ تا ۱۰ آذرماه در شهر مسقط در حال برگزاری است که گروه‌هایی از کشورهای ایران، فرانسه، هند، کویت، تونس، اردن و عربستان در آن شرکت دارند. این اثر نمایشی با حمایت سازمان منطقه آزاد چابهار و شرکت زاریس خودرو به این رویداد بین‌المللی راه یافته است. داستان نمایش درباره پوپک و دوستش سنجاب است که به دنبال دانه‌های بلوط در نقاط مختلف ایران می‌گردند، در حالی که زمین پر از ساختمان‌های بلند و آلوده است.



صباخبر

آخرین پرده؛ هادی مرزبان در تالار وحدت



تئاتر ایران قامت یک استاد را بدرقه کرد



توصیف کرد؛ مردی که همیشه با لبخند دیده می‌شد و تا کاری تمام می‌شد، به دنبال کار بعدی می‌رفت. آئیش از سال‌هایی گفت که دیدن مرزبان در سالن‌های تئاتر امری طبیعی بود و اکنون نبودنش باورکردنی نیست. او با یادآوری تصویری از مرزبان در تمرین شب گذشته، سخنانش را با این جمله پایان داد: «همه ما او را دوست داشتیم؛ نازنین بود.»

در میانه مراسم، موسیقی‌های سعید ذهنی که برای نمایش‌های مرزبان ساخته شده بود، در تالار طنین انداخت. پیکر او آرام به جایگاه آورده شد؛ حضوری خاموش اما سرشار از صلابت کسی که صحنه را خانه اول و آخر خود می‌دانست. سپس ایرج راد از نیم‌قرن دوستی و همکاری با مرزبان گفت؛ از سال‌های دانشکده، از روزهایی که مرزبان در ساری گروهی کوچک اما پیگیر شکل داد و از دل‌بستگی او به تئاتر ایرانی. راد یادآور شد مرزبان بارها برای اجرای آثارش تحت فشار قرار گرفت و حتی دچار عارضه مغزی شد؛ بهایی که برای پایبندی به باورهایش پرداخت. اکبر زنجان‌پور نیز با اندوهی آشکار گفت: «هنرمندان بسیار رنج کشیده‌اند و مرزبان از همه بیشتر؛ شاید رفتنش آرامشی پس از سال‌ها آزردگی باشد.»

در پایان، فرزانه کابلی، همسر مرزبان، سخنانی کوتاه اما عمیقاً احساسی بیان کرد. او از همراهی هنرمندان قدردانی کرد و گفت: «همه شما می‌دانید هادی مرد تئاتر بود؛ با تئاتر زندگی می‌کرد.» کابلی خاطره‌ای از همکاری در نمایش «نوبت دیوانگی» بازگو کرد و از تلاش‌های بی‌وقفه او برای فراهم کردن شرایط اجرا گفت؛ از اینکه حتی در روزهای بیماری درباره کار ناتمامش صحبت می‌کرد و امیدوار بود اجرا شود. او افزود: «هادی عاشق این خاک بود. می‌توانستیم برویم، اما ماندیم.» و سخنش را با این جمله پایان داد: «هادی جان، تو اینجایی... اما من تو را گم کرده‌ام.»

در سپیده‌دمی سرد از آذرماه، تالار وحدت بار دیگر گشوده شد؛ نه برای روشن شدن چراغ صحنه، بلکه برای بدرقه چراغی که نیم‌قرن بر تئاتر ایران تابید. هادی مرزبان، کارگردانی که عمرش را بر لبه داغ صحنه گذرانده بود، این بار به تالار بازگشت؛ بازگشتی بی‌کلام و آرام، همچون مکتب پایانی یک نمایش طولانی. جمعی از اهالی فرهنگ و هنر در پهنه رودکی گرد آمدند؛ گویی رشته‌های سال‌های دور بار دیگر به هم گره خورد. خانواده مرزبان و هنرمندانی چون علی نصیریان، ایرج راد، اکبر زنجان‌پور، شکرخدا گودرزی، میکائیل شهرستانی، بهاره رهنما، مجید مظفری، رضا فیاضی، شهرام کرمی، اتابک نادری، حسین مسافراستانه و دیگر چهره‌ها در کنار مسئولان فرهنگی ایستادند؛ اما در غیاب مرزبان، هیچ عنوانی اهمیتی نداشت. مراسم با تلاوت قرآن آغاز شد و فریدون محرابی با شعری از احمد شاملو سکوت جمع را شکست. نخستین سخنران، علی نصیریان بود؛ هم‌نسل و هم‌نفس مرزبان. او گفت ویژگی برجسته مرزبان، فعالیت خستگی‌ناپذیرش بود. یادآور شد که پیش از انقلاب، مرزبان برای آموزش جوانان به شهرستان‌ها می‌رفت و تئاتر را جراحی روح انسان خواند. نصیریان خاطره همکاری در اجرای «خانه برناردا آلبا» را نقل کرد و افزود مرزبان سال‌ها برای تئاتر ایران خدمت کرد و پس از انقلاب نیز بیشترین آثار اکبر رادی را به صحنه برد. او به روزی اشاره کرد که نمایششان پس از ۳۰ شب توقیف شد و گفت زبان نمایش، زبان شخصیت‌هاست. نصیریان سخنانش را با این جمله پایان داد: «مرزبان زحمت کشید، شناخته شد و مردم امروز احترامش را به‌جا آوردند.»

پس از او، فرهاد آئیش با لحنی صمیمی گفت: «هادی دوست من بود و من هم دوست هادی بودم.» او مرزبان را عاشق هنر و زندگی



صباخبر

برنده‌ی سیمرغ بهترین فیلم
برنده‌ی سیمرغ بهترین موسیقی متن
برنده‌ی سیمرغ بهترین بازیگر مکمل زن
برنده‌ی سیمرغ بهترین بازیگر مکمل مرد

کارگردان مهدی شامحمدی تهیه‌کننده عباس نادران

جهنم



نامزد چهارده رشته سیمرغ در چهار دومین جشنواره فجر

سخت‌نویس
شاه‌نواز
بهرار خاچ
محمد رشاد
سعید مهدی حبیبی
شاهین حسینی
حسام ملانور